



## نوری که هر روز از طرف مردم به قبر "شاه" می بارد

۳ شهریور

# نوری که هر روز به قبر "شاه" می بارد



- قسمت اول

### توسط کیوان حسینی

۲۵ سال از پایان سلطنتش می گذرد، ۳۳ سال از مرگش. حالا دیگر کمتر کسی مانند روزهای پرشور انقلاب سال ۵۷ با نفرت از او صحبت می کند. برعکس کم نیستند کسانی که از روزهای حکومتش با حسرت یاد می کنند و جمله شان درباره او با یک عبارت معروف تمام می شود: "نور به قبرش می بارد".

محمدرضا شاه پهلوی ۳۷ سال و چهار ماه و ۱۶ روز بر ایران حکومت کرد. او در ظاهر یک پادشاه مشروطه بود، اما شیوه حکومتداری اش، در بسیاری از روزهای سلطنتش شباهتی به یک پادشاه مشروطه نداشت.

هر چه بود در زمانی که انقلابیون خشمگین در روز ۲۲ بهمن او را به زور از مقامش خلع کردند، او شخصیت محبوبی برای ایرانیان نبود. برعکس گویی بسیاری - دستکم در میان انقلابیون - عمیقاً از او متنفر بودند.

اما وضعیت محبوبیت او در دوران سلطنتش همیشه یکسان نبود و این وضعیت تا امروز دستخوش تغییراتی بوده است.

در بخش نخست این مطلب، وضعیت شاه در افکار عمومی ایرانیان را از شهریور ۲۰ تا انقلاب ۵۷ بررسی می کنیم.

### شاه جوان

شاه وقتی شاه شد، فقط ۲۱ سال سن داشت و جوانی بود تحصیل کرده، آلمند و شیک پوش و البته مسلط به زبان فرانسه.

و طبیعتاً وضعیت محبوبیت این جوان محبوب به عنوان شاه مملکت، هیچ شباهتی به روزهایی نداشت که شب و روز عده ای در سال ۵۷ شعار می دادند:

این استان کشور سفر کرد.

شاه در این ماجرا دقیقاً همان نقشی را بازی کرد که در قانون اساسی مشروطه بر عهده اش گذاشته شده است. هوشنگ نهاوندی که اخیراً کتاب محمدرضا پهلوی، آخرین پادشاه را منتشر کرده، معتقد است شاه در این دوره، "مظهر وحدت ملی" در ایران بود. به گفته آقای نهاوندی، محمدرضا شاه در این دوره مخالف جدی نداشت، "چرا که مسئولیت بر عهده دولت ها بود".

### بعد از کودتا

اما حدود پنج سال بعد از این روزها، نهضت ملی کردن نفت و کودتای ۲۸

مرداد، مناسبات نظام پارلمانی ایران را دگرگون کرد. به ویژه اینکه نخست وزیر برآمده از این کودتا یعنی فضل الله زاهدی، خود به خاطر دخالت های شاه در اداره امور کشور، با او اختلاف نظر پیدا کرد و سرانجامی بهتر از باقی نخست وزیران قدرتمند دوران پادشاهی محمدرضا شاه، پیدا نکرد.

بعد از زاهدی، رویه شاه نیز روز به روز بیشتر تغییر کرد.

اما به گفته مجید تفرشی - مورخ ساکن لندن - نه کودتای ۲۸ مرداد و نه حتی درگیری های اسلامگرایان با حکومت در سال ۴۲، هیچ کدام بر محبوبیت شاه تأثیر دراماتیک نگذاشتند و در آن

ای شاه خائن آواره گردی! خاک وطن را ویرانه کردی.

عباس میلانی نویسنده کتاب گاهی به شاه، معتقد است که شاه در آغاز سلطنتش هم محبوب بود و هم مایه دلگرمی و امید برای تغییر آینده کشور.

در این دوره برخی وقایع موجب شد تا بر محبوبیت شاه افزوده شود. که مهم ترین آن، پایان کار حکومت خودمختار فرقه دموکرات بر آذربایجان است.

در این مقطع تلاش همسایه قدرتمند شمالی - اتحاد جماهیر شوروی - برای چنان کردن استان آذربایجان از ایران بی نتیجه ماند و شاه نیز خیلی زود به

زمان، قاطبه مردم علاقه‌ای به برچیده شدن نظام سلطنتی نداشتند. در آستانه اصلاحات شاه یا انقلاب سفید، در سال ۱۳۳۹، نخستین فرزند شاه به دنیا آمد.

ملکه سابق ایران معتقد است که در دهه ۴۰، اصلاحات شاه یا انقلاب سفید بر محبوبیت شاه افزود و می‌گوید که شخصاً در برخورد با مردم عادی در

جریان مراسم گوناگون، علاقه مردم به شاه را احساس می‌کرده است.

محمدرضا شاه که یک‌بار به دلیل پزشکی توانسته بود با هسردومش ملکه ثریا صاحب فرزند شود و به همین دلیل از همسرش جدا شده بود، این بار یک سال بعد از ازدواج با ملکه فرح، صاحب پسری شد که بر اساس قانون اساسی، میراث‌دار تاج و تخت نیز محسوب می‌شد.

شهبانو فرح معتقد است که در این دوران، شادی گروه بزرگی از مردم به خاطر تولد ولیعهد، شادی خودجوش و حقیقی بوده و نشانه‌ای از علاقه فراگیر به محمدرضا شاه.

او در مرور خاطرات آن روزها می‌گوید که مردم بعد از تولد رضا پهلوی، بین هم شیری تقسیم می‌کردند و از در راه شاه عبدالعظیم، از محمد رضا شاه استقبال باشکوهی کردند.

ملکه سابق ایران همچنین معتقد است که در همان سال‌ها، اصلاحات شاه یا انقلاب سفید نیز بر محبوبیت شاه افزود و می‌گوید که شخصاً در برخورد با مردم عادی در جریان مراسم گوناگون، علاقه مردم به شاه را احساس می‌کرده است.

در جریان اصلاحاتی که آخرین ملکه ایران به آن اشاره می‌کند، برخی روحانیون و اسلامگرایان هواداران، به خاطر تحولاتی مانند به رسمیت شناختن حق رأی زنان به خشم آمدند، اما همزمان میزان محبوبیت شاه در میان گروهی دیگر از مردم ایران افزایش یافت.

عباس میلانی استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد در شرح آن روزها،

## نوری که هر روز

با استناد به گزارش‌های سفارت خانه‌های غربی در تهران می‌گوید که مشخصاً اصلاحات ارضی و افزایش حقوق زنان، بر محبوبیت شاه تأثیر مثبت گذاشت.

## پولدار شدن ایران

ایران شاهنشاهی، در سال ۱۳۵۲ خورشیدی، نقطه عطف دیگری را تجربه می‌کند که هم وضعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و شخص شاه را عمیقاً متحول کرد و هم بر زندگی روزمره مردم عادی، تأثیر گذاشت و این نقطه عطف تغییر چشمگیر درآمدهای کشور از منبع صادرات نفت است.

مجید تفرشی، این ایران جدید را چنین تصویر می‌کند: «به دلیل چهار برابر شدن بهای جهانی نفت، ایران در فاصله بسیار کوتاهی و به سرعت، از یک کشور متوسط رو به ضعیف به یک کشور قوی و تأثیرگذاری در عرصه سیاست و اقتصاد منطقه و جهان تبدیل می‌شود و همزمان شکوفایی سریع ایران موجب می‌شود تا طبقه متوسط جدید ایران شکل بگیرد.»

و این طبقه متوسط جدید، مطالباتی جدید نیز دارد مطالباتی که بخش عمده آن، سابقه‌ای تاریخی دارند و روشنفکران و فعالان سیاسی بسیاری در طول تاریخ معاصر ایران، برای احقاق این مطالبات، مبارزه کرده‌اند.

چنانکه عباس میلانی می‌گوید بعد از پولدار شدن ایران، اتفاقی برای محبوبیت شاه می‌افتد که انتظارش نمی‌رفت.

شاه در رأس نظامی قرار داشت که به واسطه افزایش درآمد، وضعیت رفاه مردم را متحول می‌کرد اما وقتی طبقه متوسط ایران جان گرفت، عوض اینکه بیشتر عاشق شاه بشود، خواسته‌های کلیدی تازه‌ای را مطرح می‌کرد.

شاه در رأس نظامی قرار داشت که به واسطه افزایش درآمد، وضعیت رفاه مردم را متحول می‌کرد اما وقتی طبقه متوسط ایران جان گرفت، عوض اینکه بیشتر عاشق شاه بشود، خواسته‌های کلیدی تازه‌ای را مطرح می‌کرد.

در این دوره که همزمان با گسترش دانشگاه‌ها و افزایش تعداد دانشجویان، آرمان‌های آینده‌آیستی چپ‌ها محبوبیت روزافزونی پیدا کرده بود، تقابلی شبیه به برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، به مخالفان شاه فرصت می‌داد که تبلیغات ضد سلطنت خود را موفق‌تر از همیشه پیش ببرند.

علی کشتگر از انقلابیون سابق که در آن زمان در جنبش دانشجویی فعالیت گسترده‌ای داشت و در نهایت به یکی از مهم‌ترین سازمان‌های انقلابی آن

دوران به نام سازمان چریک‌های فدایی خلق پیوست، می‌گوید که تبلیغات کمونیست‌ها در آن زمان، بر روی اختلاف طبقاتی متمرکز بود.

او می‌گوید: «در دانشگاه‌ها این صحبت را مطرح می‌کردیم که چرا باید در کنار لوله‌های نفت و گاز، مردم در دهات فقیر باشند؟ حول و حوش تخت جمشید هر کس با ماشین رد می‌شد می‌دید که مردم آب آشامیدنی ندارند و بعد با آب و تاب همه جای ایران صحبت می‌شد که در جشنها، غذا از پاریس آورده‌اند و سران جهان هدایای گران‌بها گرفته‌اند و خرج‌ها هم یک کلاغ، چهل کلاغ می‌شد و جامعه‌ای که نیمش محروم بود، این حرف‌ها را باور می‌کرد.»

## سلطه بران محبوبیت

بدین ترتیب در جریان سلطنت شاه، او هر چه به سال ۵۷ نزدیک شد، بیش از پیش اعتبار و وجهه ملی خود را از دست می‌داد.

این میان برخی نزدیکانش مانند اردشیر زاهدی معتقدند که در جریان بررسی مجموعه حوادث منتهی به انقلاب بیشتر از شاه این اطرافیان او بودند که با تصمیمات اشتباه، نظام پادشاهی را با بحران روبه‌رو کردند و به موقعیت شاه در میان مردم عادی ضربه زدند.

آقای زاهدی که خود زمانی داماد شاه بود و تا آخرین روزهای حیات محمدرضا شاه از مهم‌ترین نزدیکان معتمد او محسوب می‌شد، درباره تغییر نظر مردم می‌گوید: «قطره قطره جمع شد که اینطور به یک دریایی شد.»

به گفته فرح پهلوی، ملکه سابق ایران در سال‌های پایانی سلطنت محمدرضا شاه، به رغم اینکه از روش‌های نوین نظرسنجی برای افکار سنجی ایرانیان استفاده نمی‌شد، اما تازشایی عمومی مردم حقیقتی آشکار برای شخص شاه بود.

شهبانو می‌گوید که شخصاً در برخورد با مردم عادی ماه‌ها پیش از انقلاب، افول محبوبیت شاه را به چشم می‌دید و می‌گوید: «دیگر حس می‌کردم، چند ماه قبل از این جریان‌ها که برای افتتاح بیمارستانی رفتم، دیدم در مردم آنچه قبلاً می‌دیدم، دیگر نیست. خود اعلیحضرت هم حس می‌کردند و هم خود من، حس که نه، با شعارهایی که می‌دادند می‌دیدم.»

و این زمانی است که دیگر شعرهای

تند علیه شخص شاه بیش از هر زمان دیگری شنیده می‌شد و دیگر خبری از ملت شاه دوست نبود.

حسن شریعتمداری از سران حزب جمهوری خلق مسلمان ایران و فرزند آیت‌الله شریعتمداری که از مهم‌ترین مراجع مذهبی شیعیان در آن سال‌ها بود، معتقد است که اصولاً یکی از پایه‌های مهم نهاد سلطنت در ایران، روحانیون بودند که همراه با زمین‌داران بزرگ، از زمان انقلاب سفید دست از حمایت از شاه شسته بودند.

## دیکتاتور وابسته

در غیاب گروه‌های مختلف هوادار شاه، مخالفان - به ویژه جوانان انقلابی - نه تنها هیچ علاقه‌ای به او نداشتند بلکه در سال‌های پایانی سلطنت محمدرضا شاه، موجی از شاه‌ستیزی و نفرتی عمیق از او در میان‌شان دیده می‌شود. نه فقط در جنبش فدایی که یک جنبش دانشجویی بود، بلکه در درون جامعه، در میان‌بازاریان کارگران و کسبه، تصویر دیکتاتوری بود که حاضر نیست حتی با ناصحیتش - چه رسد به مخالفین - حرف بزند و به مطالبات آنها گوش کند.

## فرخ نگهبان

مهدی فتاپور یکی از جوانانی بود که خیلی زود به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران پیوست تا از طریق مبارزه مسلحانه، شاه را سرنگون کند. او مانند بسیاری دیگر از اعضای این سازمان انقلابی، اکثر سال‌های دهه ۵۰ خورشیدی را در زندان سپری کرد.

آقای فتاپور می‌گوید که شاه برای انقلابیون آن دوره، شاه نماد یک نظام سرکوبگر بود و در فضای مبارزه، تنها تقاطع منفی او به چشم می‌آمد و هیچ‌کس، هیچ‌گونه ارزیابی مثبتی از عملکرد شاه نداشت. در هیچ زمینه‌ای!

ضمن اینکه در میانه سال‌های جنگ سرد و مقابله فرساینده بلوک سوسیالیستی شرق در برابر متحدین آمریکا در بلوک غرب، از نظر بسیاری از جوانان، روابط دوستانه ایران با کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا نیز برای شاهی که اداره همه‌امور را در دستان خود داشت، امتیاز مثبتی محسوب نمی‌شد و به ویژه در جنبش دانشجویی که بیش از هر زمان دیگری، تحت تأثیر آرمان‌های سوسیالیستی به دنبال فعالیت سیاسی بود.

علی کشتگر از فدائیان سابق برامان می‌گوید که به عنوان یک کمونیست،

<p>بیماری کشنده. او می‌گوید: او همیشه می‌گفت دلم می‌خواهد پسرم در ایرانی که پایه‌های دموکراتیک دارد، پادشاهی کند و می‌خواستند که هر چه زودتر مملکت را به جایی که دلشان می‌خواست، برسانند. اما عملاً آنچه که به اسم شاه دوستی ملت ایران در تبلیغات نظام شاهنشاهی دیده می‌شد، در اندیشه محمدرضا شاه، مسئله‌ای فراتر از پروپاگندای رایج یک نظام غیر دموکراتیک بود.</p> <p>بر اساس مطالعات عباس میلانی، شاه به طور جدی معتقد بود که ملت ایران، ملتی شاه دوست هستند و از بیان این موضوع به منتقدینش ابایی نداشت.</p> <p>آقای میلانی این موضوع را یکی از اشتباهات تاریخی شاه می‌خواند. اینکه او به منتقدینش می‌گفت: مردم ایران رابطه دیرینه‌ای با سلطنت دارند و هرگز این رابطه را عوض نخواهند کرد.</p> <p>بدین ترتیب شاه بر سیاق همیشگی‌اش برای قبضه قدرت پای فشرد و سرانجام در روزگاری که چیزی دیگر از رابطه ویژه شاه و ملت باقی نمانده بود، با خروش قدرتمند مخالفش روبه‌رو شد.</p> <p>حال امروز که ۳۵ سال از همه آن وقایع گذشته، آیا او کماکان در نزد مردم ایران شخصیتی منقور است یا اینکه افکار عمومی ایرانیان در قبال شاه تغییر کرده و او به راستی به شخصیتی محبوب بدل شده؟</p>	<p>نباید فراموش کرد که در همان زمان هم عده زیادی از مردم هم مایل بودند که شاه در ایران بماند و شاه را هنوز مظهر وحدت ملی می‌دانستند.</p> <p><b>هوشنگ نهاوندی</b></p> <p>هوشنگ نهاوندی، خود شاهد این تظاهرات در حمایت از شاه بوده و می‌گوید: "نباید فراموش کرد که در همان زمان هم عده زیادی از مردم هم مایل بودند که شاه در ایران بماند و شاه را هنوز مظهر وحدت ملی می‌دانستند. در تظاهرات قانون اساسی، چند روز پیش از پیروزی نهایی انقلاب ۲۰۰۰ هزار نفر شرکت کردند. این تظاهرات خیلی سریع تبدیل شد به تظاهراتی با شعار جاوید شاه که خیلی برای مردم شعار مأوس بود."</p> <p>به گفته آقای نهاوندی در آن دوره این گونه به نظر می‌رسد که جامعه به دو گروه موافق و مخالف شاه تقسیم شده بود و البته موافقین، در اقلیت بودند.</p> <p>و این اکثریت بودن مخالفین گویا تا مدت‌ها چندان به چشم شاه نمی‌آمد. آنگونه که فرح پهلوی، ملکه سابق ایران می‌گوید، عوامل گوناگونی دست به دست هم دادند تا اول محبوبیت پادشاه در نزد گروهی از مردم، تاثیر چندانی بر تصمیمات او نداشته باشد از تفکرات شخصی او که انتظار داشت اساساً مردم پیشرفت‌های کشور را ببینند تا موضوعاتی چون ابتلا به یک</p>	<p>شاه را ابزار دست آمریکا در منطقه می‌دانسته و معتقد بوده که ایران به آمریکا وابسته است.</p> <p>و البته هستند منتقدینی که اول شدید محبوبیت شاه را نتیجه آنچه "خودکامگی" او می‌خوانند، می‌دانند.</p> <p>فرخ نگهدار یکی از قدیمی‌ترین مخالفان شاه که از عنوان جوانی در گروه‌های مخالف عضویت داشت و نزدیک به یک دهه پایانی سلطنت محمدرضا شاه را زندانی بود، به یاد می‌آورد که در آن روزها، شاه را "دیکتاتوری خودخواه" می‌دانسته است.</p> <p><b>"جاوید شاه"</b></p> <p>هر چند که در میان گروه‌های منتقد شاه در ماه‌های پایانی سلطنت شاه اختلاف نظرهایی کلیدی وجود داشت اما برخی از این گروه‌ها که به رغم تقدشاه، علاقه‌ای به شاه‌ستیزی رایج آن روزها نداشتند، دستکم یک بار تلاش کردند تا نظر خود را به طور جدی مطرح کنند.</p> <p>به بیان دیگر، هر چند که در آستانه بهمن، نوعی نفرت عمومی از شاه همگانی شده بود اما حتی در همان فضای متشنج و هیجان‌زده انقلابی و در همان بهمن‌ماه پر حادثه، طرفداران شاه موفق شدند تظاهراتی برگزار کنند که در آن عده‌ای شعار می‌دادند، برادر هموطن! به کشور آتش نزن و استقلال، آزادی، قانون اساسی.</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------